



خلاصه

# کیمیای سعادت

امام محمد غزالی

(بازنویسی شده به زبان ساده)

تلخیص و بازنویسی:

محمد تفنگدار



# خلاصه کیببای سعادت

امام محمد غزالی

[بازنویسی شده به نثر ساده]

تصحیح، تلخیص و بازنویسی: محمد تفنگدار



غزالی، محمد بن محمد، ۴۵۰-۵۰۵ ق.  
،Mohammad ibn Mohammad Ghazzali  
خلاصه کیمیای سعادت/ محمد غزالی؛ تصحیح، تلخیص و بازنویسی محمد تفنگدار.  
تهران: مهراندیش، ۱۳۹۵.  
۴۰۰ ص.

۹۷۸-۹۶۴-۶۷۹۹-۹۳-۶

۴۲۸-۲۲ ۱۹۷/۶۱ ۱۳۹۵ ۹۰۱۳۴۶۲۵/BP۲۴۷



## خلاصه کیمیای سعادت

• امام محمد غزالی.

• تصحیح، تلخیص و بازنویسی: محمد تفنگدار.

• جلد: محمد تفنگدار • صفحه آرایی: مهراندیش • چاپ: نشانه.

• چاپ اول: تهران، ۱۳۹۵، ۷۰۰ نسخه • شماره‌ی انتشار: ۱۴۱.

• قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان • شابک: ۹۳-۶-۶۷۹۹-۶۶۴-۹۷۸.



هرگونه خلاصه‌نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، به‌صورت کامل و یا بخشی از آن، اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

انتشارات مهراندیش

خیابان انقلاب، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، خیابان روانمهر، شماره ۳۶

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۵۳۵۶

www.mehrandishbooks.com mehrandishpub@gmail.com

www.ketab.ir/mehrandishbooks



این کتاب را تقدیم می‌کنم به  
همسر فرهیخته‌ام؛ خانم سمیرا ابراهیم‌زاده



## فهرست

۱۳	پیشگفتار.....
۲۹	حواشی پیشگفتار.....
۳۵	راهنمای مطالعه.....
۳۷	دیاچه.....
۳۹	[شرح] فهرست کتاب.....
۴۱	عناوین مسلمانی.....
۴۳	عنوان اول؛ در شناختن نفسِ خویش.....
۵۷	عنوان دوم؛ در شناختن حق، سبحانه و تعالی.....
۶۵	عنوان سوم؛ در معرفت دنیا.....
۶۹	عنوان چهارم؛ در معرفت آخرت.....
۷۹	ارکان مسلمانی.....
۸۳	«رکن اول» در عبادات.....
۸۳	اصل اول؛ در اعتقاد اهل سنت حاصل کردن.....
۸۶	اصل دوم؛ در طلب علم کردن.....
۸۷	اصل سوم؛ در طهارت.....

- ۹۳ ..... اصل چهارم؛ در نماز
- ۹۹ ..... اصل پنجم؛ در زکات
- ۱۰۵ ..... اصل ششم؛ در روزه و شرایط آن
- ۱۰۸ ..... اصل هفتم؛ حج
- ۱۱۱ ..... اصل هشتم؛ در قرآن خواندن
- ۱۱۳ ..... اصل نهم؛ در ذکر حق تعالی
- ۱۱۴ ..... اصل دهم؛ وردها

«رکن دوم» در معاملات..... ۱۱۷

- ۱۱۷ ..... اصل اول؛ آداب طعام خوردن
- ۱۲۵ ..... اصل دوم؛ آداب نکاح
- ۱۳۴ ..... اصل سوم؛ در آداب کسب و تجارت
- ۱۴۴ ..... اصل چهارم؛ شناختن حلال و حرام و شبهت
- ۱۴۸ ..... اصل پنجم؛ در گزاردن حق صحبت با خلق خدا
- ۱۶۴ ..... اصل ششم؛ در آداب زاویه نشینی و عزلت گرفتن از خلق
- ۱۶۷ ..... اصل هفتم؛ آداب سفر
- ۱۶۹ ..... اصل هشتم؛ آداب سماع و وجد
- ۱۷۴ ..... اصل نهم؛ امر معروف و نهی منکر
- ۱۸۱ ..... اصل دهم؛ در رعیت داشتن و ولایت راندن

«رکن سوم» در مُهلکات ..... ۱۸۵

- ۱۸۵ ..... اصل اول؛ اندر تربیت نفس و پاک کردن آن از خوی بد
- ۲۰۰ ..... اصل دوم؛ اندر علاج شهوتِ شکم و شهوتِ آمیزش
- ۲۰۷ ..... اصل سوم؛ اندر شهوتِ سخن و آفت زبان
- ۲۲۷ ..... اصل چهارم؛ اندر خشم و کینه و حسد

اصل پنجم؛ اندر علاج دوستی دنیا و آشکار کردن آنکه حُب دنیا سر همه گناهان است	۲۳۶
اصل ششم؛ علاج بُخل و حرص، در جمع کردن مال	۲۳۹
اصل هفتم؛ اندر علاج دوستی جاه و حشمت	۲۵۴
اصل هشتم؛ علاج ریاکاری در طاعات و عبادات	۲۵۸
اصل نهم؛ در علاج کبر و عُجب	۲۶۵
اصل دهم؛ در غفلت و ضلالت و غرور	۲۷۸
«رکن چهارم» در مُنجیات	
اصل اول؛ در توبه	۲۸۹
اصل دوم؛ در صبر و شکر	۲۹۹
اصل سوم؛ در خوف و رجا	۳۱۱
اصل چهارم؛ در فقر و زهد	۳۲۱
اصل پنجم؛ در نیت و صدق و اخلاص	۳۳۰
اصل ششم؛ در محاسبیت و مراقبت	۳۳۸
اصل هفتم؛ در تفکر	۳۴۲
اصل هشتم؛ در توحید و توکل	۳۴۴
اصل نهم؛ در محبت و شوق و رضا	۳۶۰
اصل دهم؛ در یاد کردن از مرگ	۳۸۰
توضیحات	
منابع و مآخذ	۳۹۳
منابع و مآخذ	۳۹۵

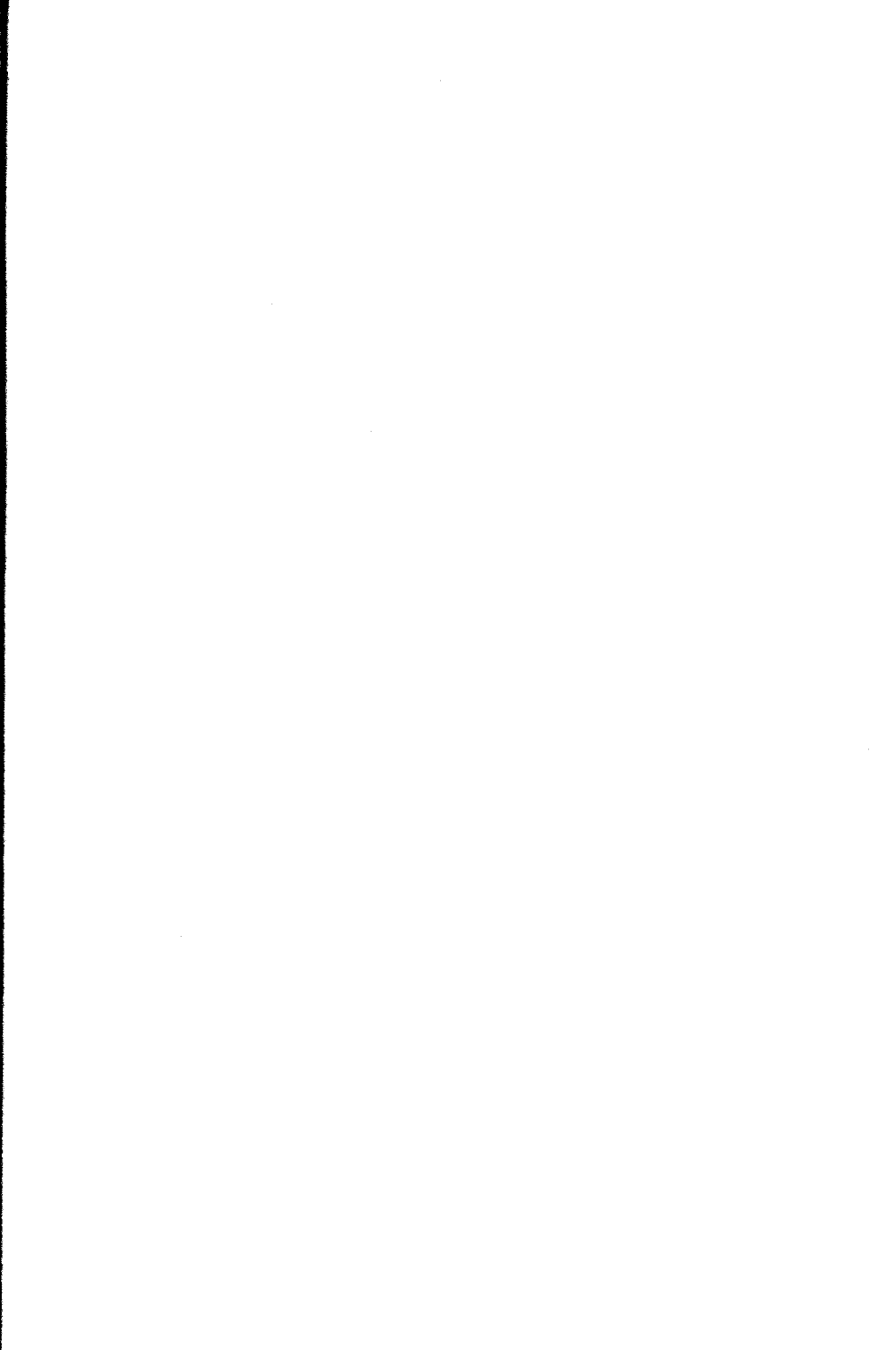




صفحة نخست یکی از نسخ قدیمی کتاب «احیاء علوم الدین»



صفحه نخست یکی از نسخ قدیمی «کیمیای سعادت»



## پیشگفتار

«کیمیای سعادت» کتابی دربارهٔ ارکان و احکام اسلام است که علاوه بر ظاهر آداب شرعی، به فلسفه و هدف وضع این آداب و جنبهٔ عرفانی آن‌ها نیز می‌پردازد؛ با این منظور که رفتارهای مذهبی به اطواری بی‌معنی بدل نشود و با توجه بیش از حد به ظواهر، و غفلت از روح و حکمت هر عمل، از مفهوم و هدف اصلی خود فاصله نگیرد.

درواقع کیمیای سعادت شرح مقدمات معرفت است. این کتاب که از جمله آخرین آثار غزالی به شمار می‌رود و به اعتقاد اهل نظر، ارزشمندترین اثر اوست، پس از یک دگرگونی در احوال و عقاید وی تألیف شده و به نوعی، حاصل شکست‌ها و پیروزی‌های او در راه کشف حقیقت است.

غزالی خود، اشک‌ها و لبخندهای تصویرشده در این کتاب را تجربه کرده و مانند «دانته»،<sup>۱\*</sup> در انتهای عبور از بهشت و دوزخ و برزخِ روحی، سعادتِ خویش را در مشاهدهٔ جمالِ حقیقت یافته؛ و چون قلبِ روشن او، تاریکیِ روحِ مردمان را تاب نمی‌آورده، بر آن شده است تا با کیمیای علم و عقل، چشمِ دیگران را نیز به نور حکمت الهی روشن کند؛ گویی که «یک تن، منشأ حیات خلقی تواند شد».<sup>۲\*</sup>

شیوهٔ کار غزالی دوری کردن از مقدس مآبی و تکیه بر مکاشفات معنوی و محاسبات منطقی است. او اخلاق و عرفان را هم‌سو با عقل می‌بیند و هر چه که بیرون از دایرهٔ عقل یا مکاشفات معنوی باشد را آفتِ معرفت می‌شمارد. به عقیدهٔ غزالی معرفت حقیقی،

استوار به برهان خویش است و اثبات آن را نیازی به خرق عادت و معجزه نیست، بلکه حقیقت، خود، معجزه است؛ پس اگر کشف و کرامات مدعیان درست هم باشد، باز نمی‌تواند رفتار یا عقیده‌ای نادرست را توجیه کند یا دانش درستی را منکر شود؛ چنانکه در کتاب «المنقذ من الضلال» می‌گوید:

«اگر کسی از در معجزه و کرامت درآید و سنگی را زَر کند... آنگاه بگوید که "سه از ده بزرگ‌تر است" البته که باور نکنیم و در علم ما هیچ شک و تردید ایجاد نشود.»\*۳

و از این سبب گفته‌اند که «اساس الدین العقل».\*۴

غزالی که پیش از ورود به جرگه احرار و عارفان، معلمی موفق و منتقدی توانا بود، توانست با بهره‌گیری از تجارب آموزشی خود، باب جدیدی در تعلیم اخلاق و معرفت بگشاید و با تقسیم‌بندی مباحث مختلف معنوی و شرح معقولانه آن‌ها روشی ساده و محکم برای تربیت نفس به دست دهد که همگان را مفهوم، پذیرفتنی و قابل استفاده باشد. از این نظر، می‌توان غزالی را یکی از پیشروان «آموزش عمومی حکمت و معرفت» دانست که ضمن توجیه مخاطب، او را قدم‌به‌قدم، با عرفان نظری آشنا می‌کند و راه عمل را نیز به وی می‌نماید.

او در کیمیای سعادت، پیش از دعوت به طی طریق، ادراک لذت‌های حاصل از گنج معرفت را برای سالک آسان می‌کند تا به تنگدستی و رنجوری خود آگاه شود و معنی «اتم الفقرا»\*۵ را بداند؛ آنگاه از شأن انسان سخن می‌گوید و او را خبر می‌دهد که:

تورا ز کُنْجَرَة عرش می‌زنند صَفیر

ندانمت که در این دامگه چه افتادست

[حافظ]

دیگر هنر غزالی، زدودن غبار کدورت و خشونت از ادیان الهی است؛ غزالی اگرچه

واعظی خشک و زاهدی متعصب می‌نماید، و تا حدی چنین هم هست؛ اما به‌وضوح و با استناد به آیات قرآن، احادیث معتبر و سخن بزرگان شیعه و سنی، اثبات می‌کند که حتی در نظر فقیه سختگیری چون او، نه طریقت و نه شریعت، هرگز حکمی نکرده‌اند که خلاف عقل یا خلاف اخلاق یا خلاف مهر و عطوفت باشد؛ و هرکجا که چنین خلافی هست، ناشی از خلافتکاری مدعیان است، نه آنکه حکیم حضرت «حق» را با «حقیقت» تعارضی باشد؛ پس:

هر چه هست از قامتِ ناسازی بی‌اندام ماست

ورنه تشریفِ تو بر بالای کس کوتاه نیست

[حافظ]

غزالی مدعی آن نیست که سالک را «پله پله تا ملاقات خدا» می‌برد و به مقصود می‌رساند؛ بلکه القبای سلوک را به او می‌آموزد و اصرار دارد که اگر نگوییم همه راه، اما بیشتر راه معرفت، با همین گام‌های ساده و مؤثر طی می‌شود.

البته کیمیای سعادت چون هر کتاب دیگر، خالی از اشکال نیست و غزالی هم چنین ادعایی ندارد؛ اما بینش حاصل از روح کلی کتاب و مقدار مفاهیم و سخنان درستی که در آن گردآوری شده، آن قدر هست که برای محروم نماندن از برکاتش، بتوان از عیوب اندک آن چشم پوشید؛ چنانکه حکمای بسیاری - اعم از شیعه و سنی و غیر اهل اسلام - مطالعه این کتاب را برای تعالی فکر و روح توصیه کرده‌اند؛ بلکه واجب دانسته‌اند.

### کیمیای سعادت و فرهنگ ایران

آنچه از کتب تاریخی و آثار ادبی و عرفانی برمی‌آید، این است که کیمیای سعادت و برخی دیگر از تألیفات غزالی، من جمله کتاب «احیاء علوم الدین» - که نسخه مبسوط و مفصل «کیمیای سعادت» به زبان عربی است - صدها سال در «مدارس نظامیه»<sup>۶\*</sup> و دیگر دانشگاه‌های آن روزگار، به‌عنوان کتاب درسی تدریس می‌شده؛ و

در نتیجه بر عقاید دانش‌آموختگان این مدارس که بسیاری از آن‌ها در زُمره بزرگان فرهنگ و ادب ایران هستند، ۷\* مؤثر بوده است؛ چنانکه در آثار «سعدی» که از شاگردان مدرسه «نظامیه بغداد» است، ۸\* حکایات و نصایحی می‌یابیم که یادآور بخش‌هایی از مکتوبات غزالی است؛ اگرچه فصاحت کلام سعدی، آن مفاهیم را پخته‌تر و شیرین‌تر به ما می‌رساند. شیخ اجل با آنکه تفکرات او با برخی از عقاید غزالی یکسان نیست، اما علم وی را راهگشا می‌داند و از او با عنوان «مُرشد» (= راهبر و راهنما) یاد می‌کند:

«امام مُرشد، محمد غزالی را - رحمه الله علیه - پرسیدند: چگونه

رسیدی بدین منزلت در علوم؟ گفت: بدان که هر چه ندانستم، از

پرسیدن آن ننگ نداشتم.» [گلستان؛ باب هشتم]

گوی غزالی و دیگر حکمای پیشرو، معلومات و مواد اولیه لازم برای تولید آثار بزرگ‌تر، توسط نسل‌های بعدی را فراهم کرده و نردبانی برای ترقی حکمت و معرفت ساخته‌اند. در سده‌های نزدیک‌تر نیز برگه‌هایی از «احیاء» و «کیمیا» در لابه‌لای اوراق حکما به چشم می‌خورد و بزرگانی چون «میرداماد» و «ملاصدرا» با وجود اختلاف نظرهای بسیارشان با غزالی، «کیمیا» و «احیاء» او را ستوده‌اند. ۹\*

امروز هم کافی است به سیستان و بلوچستان یا کردستان و خراسان سفر کنید تا ذکر خیر امام محمد غزالی را از دهان عارف و عامی بشنوید.

### تأثیر کیمیای سعادت بر جوامع اسلامی

در تمام ممالک کهن اسلامی، از آندلس تا یمن، سرزمینی نیست که نسخه عربی کیمیای سعادت، یعنی کتاب «احیاء علوم الدین»، در مدارس عالی آن تدریس نشده باشد. دانشگاه «الآزهر» مصر که بزرگ‌ترین دانشگاه «علوم اسلامی» در جهان عرب است، هنوز هم آثار متعددی از غزالی، من جمله کتاب «احیاء» او را به‌عنوان یکی از منابع درسی خود استفاده می‌کند. در میان علمای عرب مثلی درباره کتاب «احیاء» هست که می‌گوید: «نزدیک بود که احیاء، قرآنی شود!» ۱۰\* و این سخن اگرچه

اغراق‌آمیز است، اما از عظمت کلام غزالی در نظر ایشان خبر می‌دهد. به قول «پرفسور نلسون فرای»<sup>۱۱\*</sup> (نقل به مضمون): «اسلام را هم ایرانیان به جهان آموختند.»<sup>۱۲\*</sup> علاوه بر کتاب «احیاء»، خود «کیمیای سعادت» نیز روزگاری دراز در «سرزمین‌های مسلمان‌نشین غیرعرب» مقبولیت داشته و بر فرهنگ آن نواحی مؤثر بوده است؛ سرزمین‌هایی مانند: تاجیکستان، افغانستان، برخی قسمت‌های هندوستان،<sup>۱۳\*</sup> شرق چین<sup>۱۴\*</sup> و کشور اندونزی.<sup>۱۵\*</sup>

بسیاری از آداب مذهبی مرسوم در این مناطق و داستان‌هایی که مردم از زندگی حضرت رسول (ص) نقل می‌کنند، ریشه در آموزه‌های کتاب کیمیا دارد که معمولاً توسط تجار یا دانشمندان ایرانی به دست ایشان رسیده و به تدریج، گسترش یافته است؛ شاید گزافه‌گویی نباشد اگر کشورهایی چون مصر و هند را در حفظ برخی از آثار ادبی و عرفانی ایران، کوشا تر از ایرانیان بدانیم. این نکته قابل توجه است که بیشتر نسخه‌های کهن و معتبر کیمیای سعادت و شماری دیگر از گنجینه‌های ادب پارسی که ما امروز در اختیار داریم، در کشور هندوستان و توسط علاقه‌مندان به ادبیات فارسی، حفظ و بازنشر شده است.

### درباره کتاب حاضر

کتابی که پیش‌رو دارید خلاصه‌ای از تمام مباحث مطرح شده در کیمیای سعادت است؛ ضمن اینکه به منظور آسان شدن مطالعه آن برای جوانان، قسمت‌های دشوار کتاب با نثری نزدیک‌تر به زبان امروز بازنویسی شده؛ و تا جایی که به متن اصلی لطمه نخورد، کلمات و اصطلاحات دشوار نیز با کلماتی ساده‌تر جایگزین شده است.

در انجام کار خلاصه‌سازی، تلاش شده تا تغییری در مفهوم مطالب ایجاد نشود و به شیوه بیان آن‌ها هم لطمه‌ای نخورد؛ مثلاً از میان چند داستان مشابه که برای شرح یک مطلب آمده، گویاترین آن‌ها انتخاب و باقی داستان‌ها حذف شده است؛ یا هر جا که مطلبی بدون مثال و توضیح هم قابل درک بوده، مثال‌ها و توضیحات آن حذف یا کوتاه شده است. همچنین موضوعات یا جملات بلندی که امکان خلاصه کردن آن‌ها



وجود داشته، به عباراتی مختصر و مفید بدل شده‌اند.

گفتنی است که در مورد احادیث و قصص انبیاء که استناد اکثر مطالب کتاب به آن‌هاست، سعی بر حفظ و عدم تلخیص بوده تا تغییری در هویت کتاب ایجاد نشود. اما مرجع تهیه متن کتاب، نسخه مصحح استاد «احمد آرام» بوده است؛ و در کنار آن از نسخه مرحوم دکتر «حسین خدیوجم» که از مزیت مقابله با متن عربی کتاب «احیاء» برخوردار است نیز بهره گرفته شده.

### اشاره‌ای به احوال غزالی

حکیم ابوحامد، محمد بن محمد غزالی طوسی، ملقب به «حجت‌الاسلام»، از جمله نامدارترین حکما در علوم مختلف اسلامی است. او به سال ۴۵۰ هجری قمری در یکی از روستاهای اطراف طوس به این جهان آمد و ۵۵ سال بعد، در سال ۵۰۵ هجری به جهان دیگر رفت.

در وجه تسمیه شهرت او (غزالی) گفته‌اند که پدرش «غزال» بود؛ یعنی کارگاه پشم‌ریسی داشت یا به نوعی دیگر، نخ پشمی فراهم می‌کرد و می‌فروخت.

محمد حدود هفت یا هشت‌ساله بود که پدرش درگذشت. نوشته‌اند که پدر غزالی پیش از وفات، میراث اندک خود را به یکی از دوستان نزدیکش سپرد و وصیت کرد که این مال را برای معیشت و به‌خصوص، تحصیل دو فرزندش هزینه کند. آن دوست نیز سرپرستی «محمد» و برادر کوچک او «احمد» را پذیرفت و بر انجام وصیت یار دیرین همت گماشت؛ تا آنکه پس از چند سال، میراث پدر به پایان رسید و وقت آن آمد که برادران غزالی برای امرار معاش، به کار و کسبی مشغول شوند؛ اما سرپرست ایشان که خود دستش از مال دنیا کوتاه بود، به دو برادر پیشنهاد کرد که با ثبت نام در مدارس تازه‌تاسیس «نظامیه» - که تمام هزینه تحصیل و زندگی دانشجویان خود را تأمین می‌کردند - راهشان را در کسب علم ادامه دهند. آن‌ها نیز پذیرفتند و از سر ناچاری، تسلیم سرنوشتی شدند که از قضا، سعادت ایشان را رقم زد.

بعدها غزالی گفته است: «علم را برای غیر خدا آموختم؛ اما علم، غیر خدا را

## بالا گرفتن کار غزالی

پس از تحصیل در مدارس طوس و گرگان و نیشابور، و مجالست با اساتید و بزرگان آن روزگار، غزالی استعداد شگرف خود را با نگارش آثارى جسورانه و بدیع، شکوفا کرد؛ چنانکه نامش بر سر زبان اهل علم افتاد و پس از مدتی به محضر وزیر دانشمند و هنرپرور سلجوقیان، «خواجه نظام الملک طوسی» ۱۷\* راه یافت.

«خواجه نظام الملک» مردی قدرتمند بود که برای آبادانی کشور و گسترش علم و معرفت، از هیچ تلاش و هزینه‌ای دریغ نداشت. او غزالی را دانشمندی شایسته یافت و در سن ۳۵ سالگی ریاست علمی دانشگاه «نظامیه بغداد» را به او سپرد؛ جایی که در آن روزگار، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مرکز آموزشی جهان محسوب می‌شد و شش هزار دانشجو داشت.

غزالی در بغداد به اوج قدرت و شهرت خود رسید و موفق به تألیف ده‌ها عنوان کتاب و تربیت صدها دانشمند و استاد شد. می‌گویند کار غزالی به‌جایی رسیده بود که موکب ۱۸\* او به موکب پادشاهان می‌مانست.

## شیدایی غزالی

نقل است که روزی احمد - برادر کوچک‌تر غزالی که مرشد صوفیان بود - سر برداشت و گفت: «برادرم در خون است!» شاگردان «محمد» هراسان شدند و سوی مسجد دویدند؛ اما غزالی را دیدند که در محراب نشسته و ذکر می‌گوید. پس در عجب شدند و او را گفتند که «برادر تو ما را چنین گفت و ما تا اکنون دروغی از وی نشنیده بودیم». غزالی بگریست و گفت: «اکنون نیز راست گفت. من در ذکر بودم که ناگاه در اندیشه شدم که مسئله‌ای از حیض (= عادت زنان) را جواب سازم و از حال ذکر غافل شدم.» ۱۹\*

یا در حکایتی دیگر، آورده‌اند که روزی محمد به برادر گفت: «مردمان در خیال

افتاده‌اند که چرا تو همچون دیگران به امامت من نماز نمی‌کنی.» احمد گفت: «اگر شرط امامت به جای آوری چنین کنم.» اما در میان نماز، احمد به کناری رفت و نماز را قضا کرد. محمد گفت: «چرا چنین کردی؟» احمد گفت: «ای برادر! تا تو در نماز بودی، ما پیرو تو بودیم، چون رفتی که آستر (= قاطر) خویش را آب دهی، ما جدا شدیم.» محمد گفت: «سبحان‌الله! خدای را بندگان باشد که جاسوس قلوب‌اند. من در میان نماز، به یاد آستر خود افتادم که آب نخورده است.» \*۲۰ و گفته‌اند پس از چنین ماجراها بود که غزالی دست از دنیا بشست و در جرگه سالکان درآمد.

این داستان‌ها و ماجراهای مشابه که از سبب دگرگونی احوال و آراء غزالی حکایت کرده‌اند، اگرچه به نظر برخی محققین و شارحان احوال عرفا دور از واقعیت نیست، \*۲۱ اما هرچه هست، تنها «شمه‌ای از داستان عشق شورانگیز» غزالی است که در فهم عوام آمده و بر سر زبان افتاده؛ و گرنه آنچه از مکتوبات غزالی استنباط می‌شود، حکایت از تکامل تدریجی اندیشه‌های او و گرایش غزالی به مراتب بلندتری از حالات معنوی دارد؛ و البته برادر عارف مسلک و اهل دل او «شیخ احمد غزالی» نیز در فراهم کردن شرایط برای تغییر نگاه غزالی به فلسفه زندگی، نقش پررنگی داشته است.

گویا غزالی در مرز چهل سالگی و پس از سال‌ها مطالعه گسترده برای انکار نظر فیلسوفانی چون ابن‌سینا و فارابی و دیگران، و تألیفات و بحث‌و‌جدل‌هایی که برای اثبات عقاید خود می‌کند؛ بر اثر واقعاتی (شاید تذکرات برادر) توجهش به حقایق باطنی جلب می‌شود و حاصل تلاش‌های گذشته خود را نه کشف حقیقت، که حجاب آن می‌بیند؛ و از اینجاست که رفته‌رفته، دست از بازی دنیا می‌شوید و سر به بیابان طلب می‌گذارد و مُبَلِّغِ این معنی می‌شود که:

جهان عشق است و دیگر زرق‌سازی

همه بازی‌ست، الا عشق‌بازی

[نظامی]

آن‌طور که غزالی در مکتوبات خود آورده است، وی پس از رها کردن ریاست «نظامیه» و

خروج از بغداد، سال‌های درازی را به سفر کردن و دوری از شهرت و ثروت می‌گذراند؛ سپس به زادگاه خود باز می‌گردد و سوگند می‌خورد که دیگر مالی از سلاطین نگیرد و به خدمت ایشان نرود و مناظره را ترک کند. ۲۲\* او در نامه‌ای به نظام‌الدین احمد (فرزند خواجه نظام‌الملک) از عمری که در بحث و جدل تلف کرده ابراز تأسف می‌کند و از پریشانی روح خود در بغداد سخن می‌گوید. ۲۳\*

در همین سال‌های دوری و مهجوری است که غزالی کتاب «احیاء علوم‌الدین» را - به عربی - می‌نویسد و بعد از بازگشت به خراسان، گزیده‌ای از همان کتاب را به زبان مادری ترجمه می‌کند. اما پس از این سال‌ها و آن حال‌ها، غزالی مردی دیگر است و قلم او قلمی دیگر؛ این بار غزالی را سر جنگ با کسی نیست و مراعات کسی را هم نمی‌کند؛ او در اعتقادات خویش هم دگرگون شده و اکنون گرایش او به عقایدی است که با دیدگاه مذهبی خلفای بغداد فاصله دارد؛ ۲۴\* با این حال، اقبال عمومی به آثار جدید او چنان است که آن‌ها هم کتاب درسی می‌شود و بزرگان حکومت به دفعات، از او دعوت می‌کنند که بار دیگر، کرسی ریاست نظامیه بغداد را بپذیرد، اما غزالی از رفتن امتناع می‌کند و می‌نویسد: «در بغداد از مناظره کردن چاره نباشد و از سلام دارالخلافة امتناع نتوان کرد.» ۲۵\*

با این همه، غزالی دست از تدریس نمی‌کشد و در دیار خود به تربیت شاگردان جدید می‌پردازد؛ اقدامی که مشتاقان معرفت را از سراسر عالم به خراسان می‌کشاند و موجب حسادت تنگ‌نظران می‌شود.

ظاهراً گروهی از فقهای مالکی و حنفی با استناد به برخی از مکتوبات غزالی، او را متهم به دشمنی با «ابوحنیفه» (امام مذهب حنفی) می‌کنند و تا تشویق سلطان به قتل او هم پیش می‌روند، اما غزالی از این دسیسه جان به در می‌برد و حتی پس از مدتی دوباره دعوت به تدریس در نظامیه بغداد می‌شود، که نمی‌پذیرد.

## مذهب غزالی

آنچه از «مکتوبات متأخر» غزالی به دست می‌آید، او را فقیهی شافعی مذهب و

علاقه‌مند به سخن و سنت عرفا و امامان شیعه معرفی می‌کند\* ۲۶ که ناچار به مراعات «خلفای حنفی مذهب» است؛\* ۲۷ اما او - به خصوص در «کیمیای سعادت» - هنگام بیان آداب اسلامی و نصایح عرفانی، جانب هیچ گروهی را نگرفته و هر جا هم که نیاز به بیان حکمی شرعی از یک مذهب خاص بوده، مخصوص بودن آن حکم به یک مذهب خاص را متذکر شده است. به عبارت دیگر، غزالی بر مذهب حقیقت است، چنانکه در کتاب «المنقذ من الضلال» می‌گوید:

«من در عقلیات، مذهب برهان دارم؛ و در شرعیات، مذهب قرآن؛ نه ابوحنیفه را بر من خطی هست و نه شافعی را بر من براتی.»

با این حال، غزالی بی‌آنکه از مذهب جعفری سخن بگوید، گرایش محسوسی به خانواده پیامبر دارد و برخلاف نظر خلفای عباسی،\* ۲۸ «اعتقاد به قداست اهل بیت» را از دین جدا نمی‌کند:

«و رسول (ص) گفت: یا علی! تواز منی و من از تو.» [کیمیا؛ در آداب سماع]

«و [ابن عباس گفت: رسول (ص) را [در خواب] دیدم که آبگینه‌ای پر از خون در دست داشت و گفت: نبینی که اَمّت من پس از من چه کردند و فرزند من حسین (ع) را بکشتند! اکنون این خون وی و اصحاب وی است که به تظلّم پیش خدای تعالی می‌برم.» [کیمیا؛ در بیان سكرات مرگ]

او در «کیمیا» حکایات و نصایح بسیاری از امامان شیعه نقل می‌کند و نظر ایشان را بر نظرات دیگر ترجیح می‌دهد؛\* ۲۹ حتی درجایی از امید به شفاعت دختر پیامبر سخن می‌گوید\* ۳۰ و شرایط آن را بیان می‌کند. گویا حکام ایرانی هم مانع اظهار نظر او نشده و در این اعتقادات، با وی هم‌داستان بوده‌اند؛ چنانکه غزالی در نامه‌ای که

به منظور پیشگیری از خشم سلطان سنجر نوشته، در تلاش برای تحت تاثیر قرار دادن وی، حضرت رضا (ع) را به شفاعت گرفته است:

«به مشهد رضا (ع) آمدم و... به لشکرگاه نیامدم و بر سر این مشهد می گویم: ای فرزند رسول! شفیع باش تا ایزد تعالی مَلِک اسلام را در مملکت دنیا از درجه پدران خویش بگذارند و در مملکت آخرت به مرتبه سلیمان علیه السلام برسانند.» ۳۱۰

اما آنچه آثار نهایی غزالی را مقبول فرق مختلف اسلامی کرده، بی طرفی و عقلانیت او در بیان حقیقت، پرهیز از مباحث مورد اختلاف و دعوت به مفاهیم بدیهی اسلام است؛ کاری که اگر توسط حکمای ایرانی انجام نمی شد، دست خلفای عرب را برای گسترش خرافات و اعمال خشونت، بازتر می کرد، تا قوانین نفع طلبانه قبیله ای را با توجیهات مذهبی، حاکم کنند.

## وفات غزالی

غزالی سال های آخر عمر را به سادگی و صفا گذراند؛ تدریس در زادگاهش و تألیف مفیدترین کتاب هایش؛ تا آنکه در چهاردهم جمادی الثانی سال ۵۰۵ هجری خاکی خورشیدپرور خراسان فرزندی دیگرش را در آغوش گرفت تا آتش جان او را نطفه آفتابی دیگر کند.

شیخ احمد غزالی گوید: «روز دوشنبه به هنگام صبح، برادرم وضو ساخت و نماز گزارد و گفت: "کفن مرا بیاورید." آوردند. بوسید و بر دیده نهاد و گفت: "سما و طاعته... آنگاه پای خویش را به سوی قبله دراز کرد و پیش از برآمدن خورشید، راهی بهشت شد.» ۳۲۰

آرامگاه منسوب به امام محمد غزالی در تابران طوس (توس)، نزدیک به آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی قرار دارد؛ اگرچه محققین در صحت این انتساب تردید کرده اند و بعضی آن را خانقاه و کلاس درس غزالی دانسته اند؛ اما به با توجه به شکل

ظاهری بنا - که برای گردهمایی یا سکونت مناسب نمی‌نماید - و وجود بناهای مشابه با همین کاربرد، به نظر می‌رسد که این بنا نیز کاربردی جز مقبره و بنای یادبود نداشته است؛ و دور از گمان نیست که این آرامگاه در همان محل خانقاه یا منزل غزالی بنا شده باشد.

### آثار غزالی

غزالی را به علت کثرت تألیفاتش یکی از عجایب تاریخ علوم اسلامی دانسته‌اند؛ اما به یقین معلوم نیست که چند اثر از حدود چهارصد کتاب منسوب به او، متعلق به وی باشد.

بعضی از محققین با استناد به یکی از مکتوبات متأخر غزالی<sup>۳۳\*</sup> که در آن از نگارش هفتاد کتاب در طول زندگی خویش سخن گفته، تعداد آثار او را در همین حدود می‌دانند؛ اما از آنجاکه پیشینیان در بسیاری از موارد، عدد هفتاد را صرفاً برای بیان کثرت به کار برده‌اند، مشخص نیست که منظور غزالی دقیقاً هفتاد کتاب بوده یا اشاره به فراوانی آثار خود کرده است.

به هر حال، امروز بیش از هفتاد عنوان کتاب در دست داریم که به تحقیق، از آثار غزالی هستند؛ کتاب‌هایی درباره عرفان، تصوف، فلسفه، فقه، کلام، اخلاق، آداب مذهبی و غیره. از جمله مشهورترین آثار غزالی در ایران، کتاب‌های «احیاء علوم الدین» (به فارسی ترجمه شده)، «کیمیای سعادت» (فارسی)، «جواهر القرآن» (به فارسی ترجمه شده)، «نصیحه الملوک» (فارسی) و چند کتاب دیگر است که اکثراً به زبان‌های مختلف اروپایی هم ترجمه شده و برای شناخت فرهنگ اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای آشنایی بیشتر با آثار و احوال غزالی می‌توانید به کتاب «غزالی‌نامه» اثر استاد «جلال‌الدین همایی» و کتاب «فرار از مدرسه» اثر استاد «عبدالحسین زرین‌کوب» مراجعه نمایید.

## تقدیر و تشکر

در میان هیاهو و اشتغالاتِ زندگی امروز، فرصت زیادی برای کار وقت‌گیر نگارش و پژوهش نمی‌ماند، اما نگارنده، از این بخت برخوردار بوده که با معاف‌شدن از برخی وظایف معمول زندگی، بتواند زمان بیشتری را صرف کار این کتاب کند؛ بنابراین و به حکم انصاف، بر خود واجب می‌دانم که از همسر فرهیخته‌ام خانم سمیرا ابراهیم‌زاده که با صبوری خود چنین فرصتی را فراهم کردند و نیز در بازخوانی و مقابله متن و انجام امور دیگر، کمک‌های ارزشمندی نمودند، تشکر کنم.

همچنین سپاس‌گزارم از جناب آقای مهدی سجودی مقدم، مدیر سخت‌کوش و ادب‌دوست «انتشارات مهراندیش» که این کتاب با حمایت و زحمات ایشان به زیور طبع آراسته شد؛ کتابی که از ورای نه صد سال تغییرات اجتماعی و فرهنگی، هنوز می‌تواند در سوق دادن جامعه به سوی مهربانی و روشنایی مؤثر باشد و نام «غزالی» را به‌عنوان یک روشنفکر مذهبی و مُصلِح اخلاقی مطرح کند. به قول ما شیرازی‌ها: «سواد حکیم پورمک نمی‌زند». \*۳۴

باشد که خاکِ تقی‌ده خراسان هر روز خورشیدی نو برآورد، تادل فرزندان ایران‌زمین همیشه روشن بماند.

محمد تفنگدار

تهران - آذرماه ۱۳۹۴ خورشیدی